

[کلام محقق اصفهانی در استعلام حقیقت با حمل شایع 2](#_Toc27395932)

[محقق رشتی: مرجع حمل شایع کلی بر فرد، حمل اولی است. 3](#_Toc27395933)

[پاسخ مرحوم اصفهانی: در مقام حمل-بر خلاف مقام استعلام حقیقت- خصوصیات لحاظ می شود. 3](#_Toc27395934)

**موضوع**: صحت حمل /علائم وضع /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در علامیت صحت حمل برای کشف حقیقت بود و بیان شد که مرحوم آخوند علامیت صحت حمل را در حمل اولی و حمل شایع پذیرفته اند؛ اما محقق اصفهانی -بر خلاف مرحوم آخوند- در این بحث تفصیل داده اند و دلالت حمل اولی را بر حقیقت پذیرفته و اشکالات را دفع نموده اند.

متحصل از نظر ما و بیانات مرحوم آخوند و اصفهانی و رشتی این شد که صحت حمل به حمل اولی به سه معنا، دلیل بر کشف حقیقت است.

1- بیان مشهور: لفظ متضمن حقیقت تفصیلیه به اجمال است مثلا لفظ انسان متضمن معنای حیوان ناطق به اجمال است و لذا حمل لفظی حامل معنای اجمالی بر معنای تفصیلی دلیل بر وضع خواهد بود.

2- بیان و نظر مختار: لفظ برای عنوان ماهیت وضع شده است. بنابر این اگر ماهیت تفصیلیه موضوع قرار بگیرد و لفظ دال بر عنوان ماهیت بر آن حمل شد، دلالت بر این دارد که استعمال حقیقی است و تطبیق موضوع بر محمول در مقام عمل، حقیقی است.

3- بیان محقق رشتی: الفاظ برای حقائق تفصیلی وضع شده اند؛ نه اینکه برای معانی اجمالی وضع شده باشد و مغایرت با معنای تفصیلی، اعتباری باشد، بلکه معنای حیوان ناطق همان معنای انسان است ولی به صورت مرتکز در ذهن -نه به صورت اجمالی- همانند آنچه که مشهور در تبادر گفته اند که معنای متبادر تفصیلی، عین معنای ارتکازی است اما قبل از تبادر ارتکاز به معنای تفصیلی وجود نداشته است.

فرق اجمال و ارتکاز این است که معنای اجمالی حیثیت کپسولی و اندماجی است و لذا در اعتبار و حیثیت، غیر از معنای تفصیلی است اما ارتکازی بودن یعنی همان معنای تفصیلی در خزانه نفس وجود داشته و به سبب التفات به آن، روشن می شود همان گونه که در تبادر مشهور معنای متبادر را عین معنای ارتکازی می دانند.

بنابر این شبهه دور در صحت حمل مطرح نیست؛ چرا که بین معنای اجمالی و تفصیلی، دوری وجود ندارد.

# کلام محقق اصفهانی در استعلام حقیقت با حمل شایع

حمل شایع گاهی حمل کلی بر فرد است مانند «زید انسان» و گاهی حمل مساوی بر مساوی است مانند« الناطق ضاحک» و گاهی نیز حمل اعم بر اخص است مانند «الناطق ماشی» و از آنجا که در هیچ یک از این اقسام، اتحاد مفهومی بین موضوع و محمول وجود ندارد، همگی این موارد حمل شایع می شوند؛ مثلا «زید انسان» حمل شایع است؛ زیرا خصوصیات موجود در ذهن موجب تغایر مفهومی بین انسان و زید می شود و در «الناطق ضاحک» نیز اتحاد ماهوی بین موضوع و محمول نیست؛ زیرا ضحک از اعراض و نطق از ذاتیات انسان و جوهر است و همین گونه« الناطق ماشی» نیز حمل شایع استَ؛ زیرا حقیقت این دو متفاوت است و ماشی اعم از انسان و نطق فصل انسان است پس در تمامی این موارد حمل شایع محقق می شود.

مرحوم اصفهانی در این سه قسم، فقط در قسم اول مانند« زید انسان» که حمل کلی بر فرد است، علامیت صحت حمل شایع را پذیرفته اند اما در دو قسم دیگر که حمل مساوی بر مساوی و حمل عام بر خاص است، علامیت صحت حمل را نپذیرفته اند مگر در دو صورت 1- حمل جنس بر نوع مانند «الانسان حیوان» 2- حمل فصل بر نوع مانند « الانسان الناطق» که در این دو صورت هر چند که حمل شایع است اما استعلام حقیقت به سبب آن ممکن است.

بنابر این در چهار صورت از حمل شایع، استعلام حقیقت ممکن است 1- حمل ذاتی اولی 2- حمل کلی بر فرد 3- حمل جنس بر نوع 4- حمل فصل بر نوع

توضیح مطلب: در قسم اول حمل شایع -که حمل کلی بر فرد است - مانند «زید انسان»، از صحت حمل بدون قرینه و کلفت، کشف حقیقت می شود؛ زیرا صحت این استعمال بر این مطلب دلالت دارد که زید حقیقتا انسان است و حصه ای از انسان در ضمن زید محقق شده است. بنابر این حد معنا و موضوع له نیز مشخص شده است. به عبارت دیگر صرف حمل شایع دلیل بر حقیقت نیست اما حمل کلی بر فرد دلیل بر حقیقت است؛ زیرا حصه ای از حقیقت و ذات محمول، در ضمن موضوع وجود دارد و مقوم وجود موضوع است. یعنی تمام حقیقت انسان در ضمن زید محقق است علاوه بر این که خصوصیات زائده مشخِّص فرد زید است.[[1]](#footnote-1)

## محقق رشتی: حمل شایع کلی بر فرد بازگشت به حمل اولی دارد.

محقق رشتی مرجع حمل شایع کلی بر فرد را حمل اولی می دانند؛ زیرا «زید انسان» در حقیقت مانند «الحیوان الناطق انسان» است؛ چرا که تصحیح این حمل شایع به ارجاع آن به حمل اولی است؛ زیرا انسان بودن زید و حمل انسان بر زید، به جهت اعراض شخصی اش نیست بلکه انسان بودن زید به جهت انسانیت متحقق در ضمن وجودش –که همان حیوان ناطق است- می باشد، بنابر این حمل کلی بر فرد -به اعتبار اینکه ماهیت هر فردی متضمن کلی است- حمل ماهوی خواهد بود و متضمن اتحاد مفهومی است؛ زیرا کلی منطبق بر افراد و متحد با افراد است.[[2]](#footnote-2)

### پاسخ مرحوم اصفهانی: در مقام حمل-بر خلاف مقام استعلام حقیقت- خصوصیات لحاظ می شود.

مرحوم اصفهانی در پاسخ می فرمایند: محقق رشتی سابقا حمل اولی را به حمل شایع ارجاع دادند و اکنون حمل شایع را به حمل اولی ارجاع می دهند که هر دو اشتباه است.

توضیح مطلب این است که: در حمل کلی بر فرد مانند «زید انسان» مراد این است که «زید بما هو زید، انسان است» و خصوصیات مشخصه زید در حمل انسان بر زید لحاظ شده است؛ ولی در مقام استعلام حقیقت، از خصوصیات قطع نظر می شود تا حقیقی بودن انسان در زید را اثبات شود؛ یعنی انسان بما هو انسان است، بر زید حمل می شود اما باید از خصوصیات زید قطع نظر شود تا بتوان انسان را بر زید -با مشخصات- حمل نمود.

به عبارت دیگر انسان، به معنای انسان است و خصوصیات، دخیل در انسان بودن نیست؛ پس در مقام استعلام حقیقت، باید قطع نظر از خصوصیات حمل نمود و معنا را «الانسان هو الانسان» در نظر گرفت نه «الانسان زید»؛ یعنی برای حقیقی بودن استعمال انسان یا باید محمول در تمام حقیقت با موضوع متحد باشد مثل «الانسان حیوان ناطق» و یا حصه ای از کلی در ضمن آن باشد مثل «زید انسان».

بنابر این در مقام استعلام حقیقت، انسان بر زید حمل می شود ولی از آنجا که در انسان خصوصیات لحاظ نشده است و در زید خصوصیت لحاظ شده پس مصحح این حمل این است که وضع انسان برای اعم از ماهیت محض انسان یا ماهیت در ضمن موضوع باشد. پس خصوصیت زید مقوم نیست و وضع لفظ برای معنایی است که چه متحد با موضوع باشد و چه متحقق در ضمن موضوع باشد، استعمال حقیقی خواهد بود به عبارت دیگر همانگونه که استعمال انسان در حیوان ناطق حقیقی است استعمال انسان در زید نیز که مرادف با انسان نیست و دارای خصوصیت است، نیز حقیقی است.[[3]](#footnote-3)

1. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج۱، ص۸۲.](http://lib.eshia.ir/27897/۱/۸۲/تحقیقه) [↑](#footnote-ref-1)
2. بدائع الافکار ج1 ص 84 [↑](#footnote-ref-2)
3. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج۱، ص۸۲.](http://lib.eshia.ir/27897/۱/۸۲/تحقیقه) [↑](#footnote-ref-3)